



مجموعه آثار
تألیف و تدوین
دکتر سید علی حسینی
چاپ اول ۱۳۸۵ هجری قمری
چاپ دوم ۱۳۸۶ هجری قمری
مطبع: انتشارات بیگول
تهران - خیابان ولیعصر
شماره ۱۲۸ - پلاک ۱۲۸
تلفن: ۸۲۱۱۱۷

اتاقی با یک میز و تابلویی بزرگ از «فرشته نو»ی پُل کِلِه که
 سرتاسر دیوار را پوشانده است. والتر بنیامین با کیف سیاهی
 در دست در برابر میز فرانتس فَن اوتو ایستاده است.

اوتو: آقای والتر بنیامین این آخرین جلسه دفاع از رساله
 شماست برای کسب کرسی استادی دانشگاه فرانکفورت
 در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۲۵ در جمهوری وایمار.
بنیامین: آخرین؟ اما این اولین باره که من دارم شما رو می بینم.

اوتو: (بی توجه) استادان عضو هیئت بررسی، تصمیم گیری درباره
 رساله شما رو به من سپرده‌ن. اونها از رساله شما هیچ
 سردزنی آوردن. شما می تونید بگید میزان درک و آگاهی
 این دوستان متعلق به عصر یخبندان، من خیلی با شما
 مخالفتی ندارم، اگر نگم موافقم. اما به هر حال به نظر اونها
 رساله «تراوتور اشپیل» یا «خاستگاه نمایش سوگناک
 آلمانی» مطول اما نابسند، نبوغ آمیز اما مغشوش، پُر از
 جزئیات اما سرشار از کلی گویییه.
بنیامین: و نظر شما؟

اوتو

بنیامین

اوتو

بنیامین

اوتو

بنیامین

اوتو

بنیامین

اوتو

اوتو: نظر من... من یک بار به عنوان یک هگلی جوان رساله شما رو خوندم و یک بار به عنوان یک رمانتیک مرتد؛ یک بار به عنوان یک نیچه ای پیشین و یک بار به عنوان یک مارکسی تازه کار.

بنیامین: شما همه اینها هستید؟

اوتو: من در فلسفه یک پرسه گردم.

بنیامین: این دستگاه های فلسفی باهم ناهمخوانن.

اوتو: برای درک این میزان ناهماهنگی - در نوشته شما - راهی جز استفاده از دستگاه های ناهمخوان نیست.

بنیامین: و نتیجه؟

اوتو: از منظر یک هگلی، روح تاریخی رساله شما قابل تأمل، اما خامه؛ و به عنوان یک نیچه ای شاعرانه ست، اما آلوده به رمانتیسیم؛ از منظر فلسفه رمانتیک ولی، گرچه ضد مدرن به نظر می آید، با این حال از خردباوری مبرا نیست؛ از منظر مارکسی دیالکتیک تاریخی رهایی بخشانه ست، اما آلوده به مسیحاباوری یهودی.

بنیامین: صرف نظر از درست یا غلط بودن این حرف ها، عجیبه کسی این میزان جامع همه این دستگاه های فکری باشه.

اوتو: آگه بخوایید می تونم رساله تون رو از منظر اسپینوزا و هیدگر هم تحلیل کنم.

بنیامین: و در نهایت به کجا برسید؟

اوتو: به هیچ جا.

بنیامین: پس نتیجه می گیرم که از نظر شما -

اوتو: از نظر من نه، از نظر دیگران.

بنیامین: به هر حال برای این پست مناسب نیستم.

اوتو: می تونید به تاریخ فلسفه بگید هیئت علمی دانشگاه متوجه اهمیت رساله شما نشد.

بنیامین: نظر خود شما چیه؟ نه به عنوان نیچه ای و هگلی و مارکسی، نظر خود شما.

اوتو: من فقط یک سخنگوآم.

بنیامین: ولی لابد خود شما هم نظری دارید. مگه نه؟

اوتو: من نظر خودم رو بعداً به شما خواهم گفت.

بنیامین: بعداً یعنی کی؟

اوتو: شاید... پانزده سال بعد.

بنیامین: متوجه نمی شم.

اوتو: بله من هم متوجه نشده ام.

بنیامین: چی رو؟

اوتو: اون چیزی رو که شما نوشتید.

بنیامین: منظور تون رساله «تراوتور اشپیل» هست؟

اوتو: و نوشته های دیگر شما.

بنیامین: کدام نوشته ها؟

اوتو: اون تابلورومی شناسید؟

بنیامین: «فرشته نو» اثر پل کله. اصل این تابلو پیش منه.

اوتو: نمونه ای از هنر منحط.

بنیامین: پس در اتاق شما چه می کنه؟

اوتو: به دلیلی که شما خیلی خوب می دونید.

بنیامین: نه نمی دونم.

اوتو: کمی به ذهنتون فشار بیارید آقای بنیامین! اون شما رو به یاد چیزی نمی ندازه؟

بنیامین: چرا، به یاد شعری از دوستم گرهارد شولیم.